

حورالعین

نویسنده: ماهر جرار

ترجمه، بررسی و نقد: دکتر محمد حسن زمانی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی علیه السلام العالمية

و سرور حسینی

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی

چکیده

این نوشته به بررسی مقاله «حورالعین» (Huris) نوشته «ماهر جرار» در جلد دوم دایرةالمعارف قرآن لیدن می‌پردازد. ماهر جرار واژه حورالعین در قرآن و روایات را جست‌وجو می‌کند و بعد از ذکر آرای نخستین مفسران اسلامی، آن‌ها را بررسی می‌نماید و بر آن است که ریشه اعتقاد به حورالعین از دین زرتشت یا مسیحیت است؛ و اعتقاد به حورالعین را در باب جهاد و شهادت موثر است. اما مترجم به نقد این نظرات می‌پردازد که اولاً منابع مقاله ضعیف و غالباً از اهل سنت است. ثانیاً شباهت عقاید اسلامی و ادیان پیشین دلیل اخذ از آنها نیست بلکه منبع الهی یکی بوده است و ثالثاً در منابع اسلامی وعده به حورالعین به عنوان تحریک به جهاد و شهادت نیامده است و هدف جهاد اسلامی رضایت الهی و دفاع بوده است.

واژه‌های اصلی: حور، عین، مستشرقان، تناقض، جهاد، شهادت.

زندگی نامه نویسنده

ماهر جرار از محققان برجسته معاصر عرب، استاد و عضو گروه‌های تحقیقاتی تمدنی و زبان عربی در دانشگاه آمریکایی بیروت است. پایان‌نامه وی درباره تدوین سیره‌نگاری در اندلس است که به زبان آلمانی منتشر شده است. وی متخصص در مذهب اباضیه و کتاب‌شناسی آثار آنان است و مقالات ارزشمند زیادی به زبان‌های انگلیسی و عربی نگاشته است.

برخی از آثار علمی

۱. المؤرخون الاباضیون فی آفریقا الشمالیه، تادیوس لیفتیسکی، مترجم: ماهر جرار و همسرش ریما جرار.
۲. اخبار فح و خبر یحیی بن عبدالله و اخیه ادریس بن عبدالله، ابی عبدالله احمد سهل‌الرازی، تحقیق: ماهر جرار.
۳. مبادئ الفقه الاسلامی، ماهر جرار.
۴. مسئله الجبر والاستطاعة، دراسة فی الحدیث و علم الکلام، یوسف فان اس، مترجم: ماهر جرار.

ترجمه مقاله «حورالعین»

حورالعین در لغت

حوری صفت مؤنث برای زن سفیدپوست است. مفرد آن «حوراء» و جمعش «حور» است (لین، ۲، ۶۶۶) و به باکره‌های بهشتی اشاره دارد (به همین دایرة المعارف رجوع کنید). مفرد حور در قرآن استفاده نشده. ولی جمع آن (حور) چهار مرتبه در قرآن ذکر شده است.

موارد کاربرد حور در قرآن

- ۱- «كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (دخان/ ۵۴)؛ «(حال بهشتیان) این‌گونه است؛ و حوریانی فراخ چشم (و همسرانی سپید چشم) را به ازدواج آنان درآوردیم».
- ۲- «مُتَكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (طور/ ۲۰)؛ «بر تخت‌هایی ردیف هم تکیه زنند، و حوران درشت‌چشم را همسرشان گردانیم».
- ۳- «حُورٌ مَّقْصُورَاتُ فِي الْخِيَامِ» (الرحمن/ ۷۲)؛ «حورانی پرده‌نشین در میان خیمه‌ها هستند».

- ۴- «وَحُورٌ عِينٌ» * كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (واقعہ/ ۲۲ و ۲۳)؛ «و حوران درشت‌چشم، همچون مروارید پنهان در صدف».
- در سه مورد به صورت صفت (عین) بر وزن چین، مفرد مؤنث (عینا) و مذکر (أعین) که به معنای چشم‌درشت تمام‌سیاه، به کار می‌رود (Lane, v, 2218). and مقایسه کنید با Kunstlinger, namen und Freuden (30-629).

در سه آیه دیگر که عبارتند از:

- ۱- «وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ» (صافات / ۴۸)؛ «و نزد آنان (همسرانی) چشم‌فروشته (و) فراخ دیده باشند».

۲- «وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ» (ص/۵۲)؛ «و نزد آنان (همسران) چشم‌فروشته هم‌سالند».

۳- «فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ» (الرحمن/۵۶)؛ «در آن (بهشت)ها همسرانی چشم‌فروشته هستند که پیش از آنان هیچ انسان و جنی با آنان تماس نگرفته است
 باکره‌های بهشتی به (قاصرات‌الطرف) یعنی با حیا و پاک‌دامن معرفی می‌شوند (Lane, vii, 2533).

در هفت آیه دیگر، باکره‌های بهشتی، به عنوان پاداش برای مؤمنان خداترس وعده داده می‌شوند. (مراجعه کنید به مدخل: «ایمان و کفر» و «پاداش و کیفر» و بندگان مخلص خدا و همچنین مقایسه کنید با آیات سوره‌های ذیل که همگی مدنی هستند).

۱- «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأْتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۲۵)؛ «به کسانی که ایمان آورده‌اند، و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند، مژده بده که بوستان‌هایی (از بهشت) برای آنان است که از زیر (درختان)ش نهرها روان است. هرگاه میوه‌ای از آن، به آنان روزی داده شود، می‌گویند: در این چیزی است که از پیش به ما روزی داده شده بود». و از آن (روزی) به آنان داده شده، در حالی که همگون است؛ و در آن (باغ‌های بهشتی) برایشان همسرانی پاکیزه است، در حالی که آنان در آن‌جا ماندگارند».

۲- «قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَمُ لِلَّذِينَ آمَنُوا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»؛

(آل عمران/۱۵)؛ «بگو: آیا شما را به بهتر از این (سرمایه‌های دنیایی) خبر دهم؟ برای کسانی که (خود را) حفظ کرده‌اند، بوستان‌هایی است که از زیر (درختا)نش نهرها روان است، در حالی که در آن جا ماندگارند، و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خدا، نزد پروردگارشان (برای آنان است) و خدا به (امور) بندگان بیناست».

۳- ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا﴾ (نساء/۵۷)؛ «و کسانی که ایمان آورده‌اند و (کارهای) شایسته انجام دادند، به زودی آنان را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کنیم که از زیر (درختا)نش نهرها روان است، در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ (و) در آن جا همسرانی پاکیزه برایشان خواهد بود و آنان را در سایه‌ای پایدار (و فرخ‌بخش) وارد می‌کنیم».

۴- ﴿فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكذَّبَانِ﴾ (الرحمن/۱۳)؛ «پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟».

۵- ﴿يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ﴾ (الرحمن/۳۵)؛ «شعله‌هایی از آتش و دود برای شما فرستاده می‌شود و یاری نمی‌شوید».

۶- ﴿فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكذَّبَانِ﴾ (الرحمن/۳۶)؛ «پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگاید؟».

۷- ﴿فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾ (الرحمن/۳۷)؛ «پس هنگامی که آسمان شکافته شود و هم‌چون روغن مذاب گلگون گردد».

مبادی احتمالی ایمان (و اعتقاد به حورالعین)

منشأ باور باکره‌های بهشتی، محور تعدادی از مطالعات (در این زمینه) می‌باشد.

برتلز (Die Jungfrann, 263, Jeffry, For. vocab. 119) معتقد است: (عقیده به

حورالعین) از آموزه‌های زرتشت در مورد «دئینا» و اعمال نیک گرفته شده است، اما به اعتقاد آندریا در کتاب (Mohammad,69f) این اندیشه به طور مستقیم از پدران مقدس کلیسای سُرّیانی قدیس افریم وام گرفته شده است (مراجعه کنید به: (Beck,christliche Parallel,404f)). پارالل نیز می‌گوید: آندریا متن قدیس افریم را اشتباه متوجه شده است. (مراجعه کنید به آخرین اثر نام برده:

(Beck,les houris and c.Luxenberg,syro-aramaishe Lesart,221-41).

وی اخیراً تصریح می‌کند که علم لغت‌شناسی تطبیقی ریشه سُرّیانی را برای عبارت حورالعین و معنای (انگور سفید) پیشنهاد می‌کند که به معنی میوه فرجام‌گرایانه (اخروی) است. بعضی دانشمندان نیز معتقدند واژه حور ریشه پهلوی یا آرامی دارد (ر.ک: جفری، واژگان بیگانه، ۱۱۹ به بعد).

حورالعین در قرآن

باکره‌های بهشتی در قسمت شرح و توصیف لذت‌های بهشتی ذکر و توصیف می‌شوند. مؤمنان روی تخت‌هایی از حریر (ابریشم) جا داده می‌شوند (همان مرجع)، در حالی که لباس‌های زربفت (ابریشمی) بسیار زیبا پوشیده‌اند و (انواع) میوه‌های (بهشتی) و شراب (بهشتی) می‌نوشند. (See Intoxicants, Material culture And The Quran). (نگاه کنید به دو مدخل: «مسکرات» و «فرهنگ مادی و قرآن»).

در دو مورد از فعل «عروسی کردن» استفاده شده است. (ما آن‌ها را به مؤمنان خدا ترس تزویج خواهیم کرد).

آیاتی از قرآن کریم در این مورد:

۱- ﴿كَذٰلِكَ وَرَوٰنَاهُمْ بِحُورٍ عٰیِنٍ﴾ (دخان/۵۴)؛ «این گونه است، و حوریانی فراخ چشم (و همسرانی سپیدچشم) را به ازدواج آنان در آوردیم».

۲- ﴿مُتَكِينٍ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ﴾ (طور/۲۰)؛ «بر تخت‌های صف‌کشیده تکیه کرده‌اند، و حوریانی فراخ‌چشم (و همسرانی سپیدچشم) را به ازدواج آنان در آورده‌ایم».

۳- ﴿... وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره/۲۵)؛ «و در آن (باغ‌های بهشتی) برایشان همسرانی پاکیزه است، در حالی که در آن‌جا ماندگارند».

۴- ﴿... لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ﴾ (آل‌عمران/۱۵)؛ «برای کسانی که (خود را) حفظ کرده‌اند، بوستان‌هایی است که از زیرش (درختانش) نهر روان است، در حالی که در آن‌جا ماندگارند و همسرانی پاکیزه...».

۵- ﴿... لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَتُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا﴾ (نساء/۵۷)؛ «... در آن‌جا همسرانی پاکیزه برایشان خواهد بود و آنان را در سایه‌ای پایدار (و فرح‌بخش) وارد می‌کنیم».

بارگه‌های بهشتی که گفته می‌شود هیچ مردی آنها را لمس نکرده است (همان مرجع).
 ۱- ﴿فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ﴾ (الرحمن/۵۶)؛ «در آن (بهشت)‌ها همسرانی چشم‌فروشته هستند که پیش از آنان هیچ انسان و جنی با آنان تماس نگرفته است».

در آیه شریفه در قسمتی که خدای متعال فرموده: (لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ) معنای لغوی‌اش این است (هنوز بکارتش هست). در آیاتی که خدای متعال می‌فرماید:

۲- ﴿إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً﴾ (واقعه/۳۵)؛ «در حقیقت ما آنان را با پیدایش (نو) پدید آوردیم».

۳- ﴿فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا﴾ (واقعه/۳۶)؛ «و آنان را دوشیزگانی قرار دادیم».

۴- «عُرْبًا أَثْرَابًا * لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ» (واقعه/۳۷ و ۳۸): «شوهر دوستانی هم‌سالند. (این‌ها) برای یاران دست راست است.» (و نگاه کنید به: تفسیر طبری، ج ۲۳ صفحه ۱۰۶ به بعد).

(اوصاف دیگر حوریه‌های بهشتی) آن‌ها، مانند:
 مرواریدهای پنهان در صدف:

۱- «كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (واقعه/۲۳): «همچون داستان مروارید پنهان».
 یا مانند تخم مخفی:

۲- «كَأَنَّهِنَّ بَيْضُ مَكْنُونٍ» (صفات/۴۹): «(از شدت سفیدی) چنان که گویی آنان تخم مرغ (زیر پر) پنهان مانده‌اند» (نگاه کنید به: الطبری، متوفی: ۳۱۰ ق - ۹۳۲ م، تفسیر، ج ۲۳، ص ۳۷).

طبری گزارش می‌دهد که (ابن زید) معتقد است منظور از (بیض مکنون) تخم‌های شترمرغ است و نتیجه می‌گیرد رنگ حوریه‌های بهشتی سفید مایل به زرد است. مفسران دیگر معتقدند که منظور از بیض و لؤلؤ مکنون مرواریدها هستند. (مقایسه کنید با: ابن کثیر، کتاب صفات الجنة، ص ۱۰۳).

مفسران دیگری، مانند مجاهد ابن جبیر (متوفی: ۱۰۴ ق - ۷۲۲ م) طبری، در تفسیر، (جلد ۲۷، صفحه ۱۰۲)، ابن کثیر در صفات الجنة، (صفحه ۱۱۰ به بعد)، توضیح می‌دهند که استعاره به رنگ - زرد کم‌رنگ - مربوط به نظریاتی است که باکره‌های بهشتی از زعفران آفریده شده‌اند.

حدیث منسوب به ابن عباس (متوفی: حدود ۶۷ ق - ۶۸۶ م) بیان می‌کند: حوریه‌های بهشتی از چهار ماده ساخته شده‌اند: مُشک، کافور، عنبر و زعفران (معادشناسی اسلامی، تألیف مک دونالد، ص ۳۷۱ - ۳۵۳).

قرآن کریم در آیه ۷۲ سوره الرحمن توضیح می‌دهد که باکره‌های بهشتی به

دقت در خیمه‌هایی بسیار بزرگ محافظت می‌شوند. «حورٌ مقصوراتٌ فی الخیام»: «حوریانی که در خیمه‌های (بهشتی) پوشیده‌اند». (طبری، تفسیر طبری، جلد ۲۷، صفحه ۹۲-۹۳)، ابن حیب، در کتاب وصف الفردوس (ص ۱۶ به بعد)، ابن کثیر در کتاب صفات الجنة، (ص ۱۰۲) مقایسه کنید با: (مک دونالد، معادشناسی اسلامی، صفحات ۳۷۲-۳۷۱ و ۳۵۵-۳۵۳).

حورالعین در سنت (روایات)

سنت اسلامی به تفصیل توصیفی به نسبت حسّی و خیالی از باکره‌های بهشتی و نیز لذت‌های بهشتی بیان کرده است (ابن حیب، وصف الفردوس، ص ۱۶، محاسبی، توهم صفحه ۱۳۹، ۱۵۸ به بعد ۱۶۶، ۱۷۷، ابن کثیر، صفات الجنة، ۹۶ تا ۹۸، ۱۰۲ تا ۱۱۷، ۱۵۲ تا ۱۵۹، ابن قیم، حادی، ج ۱، ص ۳۴۱، ۳۹۲، ج ۲، ص ۲ تا ۷) (ونسینک، فهرست، ج ۱، ص ۵۲۶، صالح، رقابت، ص ۳۸-۴۱، روستال، واکنش‌ها).

حوریه‌ها بیشتر به افراد پرهیزگار (see plety) اختصاص داده می‌شوند که از لذت‌های زندگی (دنوی) خودداری کرده‌اند. (see Abstinence) (و برای کسانی که خشم خود را کنترل کرده‌اند (See Anger) و برای شهیدان. (See Martyr). به هر مؤمن معتقد (با اخلاص) از دو تا هفتاد و دو، پانصد یا حتی هشت هزار حورالعین وعده داده می‌شود.

منابع حدیثی بیان می‌کنند: حوریه‌های بهشتی برای همیشه در سنّ سی و سه سالگی هستند و بکارتشان باقی است. (حوریان) اعمال ناخوشایند جسمی (کثافات بدنی، مانند حیض و دفع) نیز ندارند (See Men Struation).

احادیث تفسیری عرفانی باکره‌های بهشتی را نمادهای استعاره‌ای (مجازی) پنداشته‌اند. (ابن عطاء، نصوص صوفیه غیرمنشوره، ص ۱۵۴، ابن عربی، تفسیر،

ج ۲، صفحه ۲۶۸ به بعد، ص ۲۹۰ به بعد و مراجعه کنید به: (Sufism And The Quran).

اندیشمندان نقاد و دانشمندان اصولی در توضیح این ایده (لذایذ بهشتی) به زحمت افتاده‌اند و در پی توضیح عقلانی آن برآمده‌اند (مقایسه کنید با: روستال، واکنش‌ها، ص ۲۴۹ به بعد. برای جایگاه تفاسیر جدید بنگرید به: صالح، رقابت، ص ۱۳۶-۱۲۲، و نگاه کنید به: تفاسیر قرآن، دوران جدید و معاصر).

از آغاز نیمه اول قرن دوم هجری - هشتم میلادی وعده به حوریه‌های بهشتی برای تشویق و تحریک مردم به جهاد به کار برده می‌شد (ر.ک. جرّار، مصارع العشاق، ۹-۳۷). یک شهید حوریان را در عالم رؤیا می‌بیند و آن‌ها وی را به دنیایشان دعوت می‌کنند. این احادیث در محافل و گروه‌های جنگجویان پارسا و زاهد گسترش یافت و سپس به اقوال معروفی تبدیل شد که یک ایده مشترکی را منتشر می‌کرد. دو جنبه این قضیه (این ایده) عبارت است از «مرگ یا باکره‌های بهشتی»، یا «حوریان یا مرگ». حوریان بهشتی خودشان را به عنوان عشق جنسی بروز می‌دهند که در پی جاودانگی و وحدت ابدی است.

احادیث متعدّد دینی بیان می‌کنند که آرزوی بشر برای برآوردن آرزو و عشق عاطفی از طریق وحدت با تقدس (پاکی‌ها) است، تا بدین ترتیب به این آرزوها یک واقعیت جاودانه فراسوی مرگ دهند و نیروی مثبتی به واسطه ذکر حوریان برای نادیده گرفتن مرگ فراهم نمایند.

انگیزه باکره‌های بهشتی، و درونمایه باکره‌های بهشتی مقرون با شهادت در جنگ مقدس و یا جهاد، در نقل قول‌های تاریخی دوران میانه به خوبی ظاهر می‌شود. همین مطلب در ادبیات نو اسلامی نیز راجع به جهاد - به ویژه در رساله‌های الهامی - در اظهارات و مراسم یادبود شهدا در ایران و نوار غزه فلسطین تکرار می‌شود (ماهر جرّار، شهادت، ص ۱۰۶-۱۰۴).

بررسی و نقد مقاله «حورالعین»

هر چند مقاله نقاط قوتی دارد؛ اما برخی انتقادهای بدان وارد است. ما به هر دو جنبه اشاره می‌کنیم.

الف) نقاط قوت

۱. به موارد کاربرد واژه حورالعین در قرآن کریم اشاره شده است.
۲. آیات مشتمل بر واژه حورالعین دسته‌بندی و هر دسته جداگانه بررسی شده است.
۳. در مورد حورالعین در سنت نیز از نظر مفسران نخستین مانند ابن عباس (م: ۶۷ق - ۸۶م) مجاهد بن جبر (م: ۱۰۴ - ۷۲۲م)، ابن زید و طبری و... استفاده شده است.

ب) نقاط ضعف

۱. نویسنده مقاله و بیشتر مستشرقان در شناخت اسلام و قرآن فقط به منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت مراجعه می‌کنند و خود را از منابع اصیل و غنی اهل بیت علیهم‌السلام محروم می‌سازند. این رویکرد باعث می‌شود تصویر ناقصی از اسلام و منابع اسلامی به دست آورند و در داوری، گرفتار مشکل یا لغزش شوند. در مقاله حورالعین نیز نویسنده از آثار شیعه استفاده نکرده است و برای نقل روایات به منابع اهل سنت مانند تفسیر طبری مراجعه کرده است که در آن اخبار جعلی فراوان (اسرائیلیات) وجود دارد. با این که تفاسیر ارزشمند شیعه از جمله تفسیر المیزان، از مهم‌ترین منابع تفسیری عصر حاضر است.
- به عبارت دیگر، تحقیق علمی نباید بر یک پیش‌فرض و دیدگاه خاص مبتنی باشد، بلکه باید دیدگاه تمام دانشمندان اسلامی و روایات تاریخی و حدیثی را مدنظر قرار دهد.

۲- نویسنده در انتخاب منابع، گزینشی عمل کرده است. او منابعی را انتخاب کرده است که ضعف علمی دارند، مانند کتاب‌های اختلاف قرائات، کتاب‌های تاریخی که از جهت سند و محتوا بسیار ضعیف می‌باشند و کتاب‌های صوفیه و باطنیه و...

۳- نویسنده در مورد ریشه اعتقاد به حورالعین می‌گوید: «ممکن است این عقیده از آموزه‌های زرتشت در مورد دئینا یا به طور مستقیم از پدران مقدس کلیسای سُرّیانی وام گرفته شده باشد!»

در حالی که پارالل معتقد است آندریا متن قدیس افریم را اشتباه متوجه شده است و اصلاً چنین وام‌گرفتنی وجود ندارد و به آخرین اثرش ارجاع می‌دهد (دایرة المعارف لیدن، ۲، ۴۵۶).

بدون شک، شباهت فراوانی بین معارف عقیدتی و اخلاقی و فقهی قرآن کریم با تورات و انجیل وجود دارد. گرچه این شباهت می‌تواند با احتمال اقتباس قرآن از سرچشمه عهدین سازگار باشد، اما با این احتمال که قرآن و تورات و انجیل از یک سرچشمه مشترک الهی اقتباس شده باشند، سازگارتر است. نویسنده بدون هیچ دلیلی احتمال دوم را ردّ و احتمال اول را صحیح می‌داند (الفکر الاستشراقی، ۱۰۵؛ زمانی، قرآن و مستشرقان، ۱۴۶).

۴- واژه دَئِنَا (Daena) یعنی دین پهلوی: این واژه در همه جا به معنی دین نیست و در بسیاری از جاها به معنی نفس، ذات و وجدان است و با اسم جمع. خصایص روحی و مذهبی انسان است و تشخیص باطنی و معنوی و دید شهودی و ادارک فطری او شمرده می‌شود.

زرتشتیان معتقدند دین به معنی مذهب، غیر از جان و روان و فروهر است که جمله از ارواح انسانی به شمار می‌رود. دَئِنَا از ریشه (Di) در اوستا به معنی دید شهودی و باطنی است (شائول شاکدر، از ایران زرتشتی تا اسلام، ترجمه:

مرتضی ثاقب‌فر، ۶۷) و هیچ ارتباطی به حورالعین ندارد.

۵ - نویسنده مقاله ادعا می‌کند که وعده به حوریه‌های بهشتی از آغاز نیمه اول قرن دوم هجری برای تشویق مردم به جهاد به کار برده شد! چنین مطالبی در منابع اصیل اسلامی قرن دوم وجود ندارد.

۶ - احکام مربوط به جهاد و دفاع و امور مربوط به جنگ (مانند: اسیران، شهیدان، غزوات، آماده ساختن مهمات جنگی، هجرت و...) در بیش از سیصد آیه ذکر شده است، از جمله:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۲۱۶): «جنگ بر شما مقرر شد؛ در حالی که آن برایتان ناخوشایند است؛ و چه بسا از چیزی ناخشنودید و آن برای شما خوب است؛ و چه بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید».

همچنین مراجعه کنید به: بقره/ ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۱۸، ۲۴۴ و... آل عمران/ ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۵۸، ۲۰۰ و... نساء/ ۷۱، ۷۷، ۸۴، ۹۳ و ۱۰۲ و...

قرآن کریم نه تنها دفاع و جهاد را واجب کرد، بلکه مجاهدانی را که شجاعانه برای نجات ارزش‌های انسانی جهاد و دفاع می‌کنند، برترین انسان‌ها شمرد که نزد خدای متعال پاداش بزرگی خواهند داشت. ﴿وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء/۹۵) (ر.ک. به: داود العطار، الدفاع الشرعی فی الشریعة الاسلامیة، ۲۰).

در هیچ یک از متون اسلامی وعده به حوریه‌های بهشتی برای تحریک مردم به جهاد ذکر نشده است و این ادعای نویسنده بدون دلیل است و او هیچ سند و مدرکی برای این ادعا ذکر نکرده است و این به دور از انصاف یک شخص محقق

است؛ برعکس روایات فراوانی در منابع اسلامی که در مورد فضیلت جهاد ذکر شده است، خلاف ادعای وی را ثابت می‌کند. به این روایات توجه کنید.

۱. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله: «سیاحت امت من جهاد است» (نوری، مستدرک الوسائل، ۲، ۲۴۳).

۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: «آگاه باشید که جهاد به درستی دری از درهای بهشت است که خداوند آن را برای دوستانش باز کرده است» (همان، ۲، ۲۴۵).

۳. امام صادق علیه السلام: «برترین چیز بعد از واجبات یومیه (نماز)، جهاد است» (عاملی، حر، وسایل الشیعه، ۱۱، ۱۷).

۴. علی علیه السلام: «ایمان دارای چهار رکن است: صبر، یقین، عدل و جهاد» (ابی حنیفه، نعمان، دعائم الاسلام، ۱، ۳۴۲).

۵. پیامبر صلی الله علیه و آله: پایه اسلام بر پنج چیز است: نماز، زکوة، روزه، حج و جهاد» (نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ۲۱، ۳).

۶. امام علی علیه السلام: «جهاد ستون استوار دین و روش سعادت‌مندان است» (آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ۴۲۵).

۷. پیامبر صلی الله علیه و آله: «کسی که در راه خدا مجاهده می‌کند، مانند آن است که همیشه روزه‌دار و نمازگزار باشد» (مالک، الموطأ، ۴۴۳).

بنابراین ادعای نویسنده «وعده حوریه‌های بهشتی برابر تحریک مردم به جهاد» بدون دلیل و منبع است.

هدف از جهاد اسلامی: هدف از جهاد جلب رضایت پروردگار است؛ نه وعده به حوریه‌های بهشتی! قرآن کریم در آیات متعدد از جمله سوره نساء / ۷۴، ۹۵ و ۹۶؛ بقره / ۱۹، ۲۲ و ۸۹؛ مائده / ۵۴؛ سوره صف / ۴، جهادگران را به رحمت، مغفرت؛ محبت، رضوان الهی و رسیدن به پاداش ابدی و سعادت جاودانی بشارت می‌دهد.

در آیات متعدد جهاد معامله با خداوند متعال معرفی می‌شود، از جمله: توبه/ ۱۱۱: صف/ ۱۰ تا ۱۲.

به طور کلی مهم‌ترین اهداف جهاد و دفاع در قرآن و روایات عبارت است از:
۱) دفاع از جان مردم (۲) دفاع از عرض و ناموس مردم (۳) دفاع از اراضی و اموال و استقلال اقتصادی (۴) دفاع از دین حق و مقدسات دینی (۵) دفاع از عزت و استقلال سیاسی (۶) حمایت از مظلومان و محرومان تحت فشار ستمگران (۷) احقاق حق الهی و برداشتن موانع از سر راه هدایت توده‌های ناآگاه.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: نویسنده مقاله حورالعین از آیات و روایات به خوبی استفاده نموده است؛ به خصوص که آیات مشتمل بر واژه حورالعین را دسته‌بندی و بررسی کرده است، ولی دچار مشکلاتی هم شده است، مانند: ۱) استفاده از منابع ضعیف و غیرمستند (۲) کم‌توجهی به منابع شیعی (۳) ادعای بدون دلیل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف: منابع مقاله اصلی

منابع اولیه

۱. ابن العربی. محی الدین، تفسیر ۲ جلدی، قاهره، ۱۲۸۱ق - ۱۸۶۶م.
۲. ابن عطا الأدمی، نصوص الصوفیه غیر المنشوره، (بیروت - ۱۹۷۳).
۳. ابن حبیب، عبدالملک ابن حبیب القرطبی. کتاب الوصف الفردوس، (بیروت - ۱۹۸۷).
۴. ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل ابن عمر، صفات الجنة (دمشق - ۱۹۸۹ ed.Y.A>B udaywi).
۵. ابن التیم الجوزیه، هادی الارواح الی بلاد الافراح، ۳ جلد در ۲ جلد، قاهره، ۱۳۲۵ق - ۱۹۰۷م.
۶. المحاسبی، الحارث بن اسد، کتاب التوهم، (ed. A.Roman, Paris 1978).
۷. طبری، تفسیر، ۳۰ جلدی در ۱۲ جلد، قاهره، ۱۳۳۰ق.

منابع فرعی

1. T. Andrae, Mohammad, sein Leben Und sien Glaube, stockholm 1917.
2. Avbervy, E. Beek Eine christliche Parallel Zuden ParadiesJung frauen des korans. in orientalia christiana periadica 14(1948) 398-405,id, Les houris du. coranet Ephremle syrien, in mideo 6 (1959-61), 405-8.
3. E.Berthels, Die paradisesischen Jungfrann (Huris)im Islam, in islamica.i (1925), 263-88.
4. M. Jarrar, The martyrdom of passionate lovers. Holy war as a sacred wedding, in A. Neuwirthet al. (eds).
5. My ths, historical archetypes and symbolic figures in Arabic literature. Towards a new hermeneutic approaeh, Beirut 1998,87- 107, id, masari al- ushshaq, in al- Abhath 41 (1993), 27-121. jeffry, for vocab, D. kunstiinger, Die namen and und freuden des kuranischen Paradieses, in Bsoas 6 (1930-32) 617-32, lane. C. Luxenberg Die syro.

Aramaische Lesart des kuran, Berlin 2000, 225-42

6. J. macdonald. islamic eschatology, vl. Paradise, in islamic studies 5 (1966), 331-83, f.

7. Rosental Reflection on love in paradise, in J.H. maks and R.M. Good ceds), lave and death in the ancient Neare Est.

8. E ssays in honor of maruin H. Pope, Guilford, ct 1987, 247-54, s. salin, Lavie future selonle coran, Paris 1971. Wensinck, concordance.

ب: منابع مقاله نقد

۱. قرآن کریم، ترجمه گروهی: محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران. چاپخانه اعتماد، قم، ۱۳۸۰ش، ج اول.

۲. آمدی. عبدالواحد. غررالحکم، ترجمه و شرح: سید هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران، ۱۳۸۰ش، ج چهارم.

۳. ابوحنیفه، نعمان، دعائم الاسلام، دارالمعارف، مصر، بی تا، ج دوم.

۴. جیمزهو - مولتون، گنجینه مغان، ترجمه: تیمور قادری. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۸۴ش، ج اول.

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، مؤسسة المرتضى العالمية، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۶. حلّی، حسن بن یوسف مطهر، تبصرة المتعلمین، مؤسسة الطبع والنشر، تهران، ۱۴۱۱ق، ط اول.

۷. خمینی، روح الله، تحریر الوسیلة، دفتر انتشارات اسلام، قم، ۱۳۶۸ش، ج اول.

۸. دوستخواه، جلیل، کتاب اوستا کهن ترین سرودها و سنت های ایرانی، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۸۱ش، ج ششم.

۹. زمانی، محمدحسن، مستشرقان و قرآن (نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن) مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ش.

۱۰. شائول شاکدر، از ایران زرتشتی تا اسلام، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۴ش، ج دوم.

۱۱. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، چاپ آریا، تهران، ۱۴۱۷ق، ج اول.

۱۲. العطار، داود، الدفاع الشرعی فی الشریعة الاسلامیة، الدارالاسلامیة، بیروت، ۱۴۰۱ق.

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب. فروع کافی. دارالاضواء. بیروت، ۱۴۱۳ق. ط اول.
۱۴. گیگر ویندیشمن، هیتس. زرتشت درگائاه، ترجمه: هاشم رضی. انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲ش، چ اول.
۱۵. مطهری، مرتضی، جهاد و مشروعیت آن در قرآن، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۱۶. مالک بن انس. الموطأ، تصحیح، محمد فؤاد عبدالباقی، مصر، ۱۳۷۰ق.
۱۷. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۱۸. نوری، میرزاحسین، مستدرکالوسائل، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق. چ اول.
19. Encyclopaedia of the Quran (EQ).
20. Jane D. mc Auliffe, PH.D. Dean.
21. Georgetown college, Gergetown University. Washington, 1993.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی